

فاتحه

مهمترین ویژگی های دوره سوم

## رشد و بلوغ

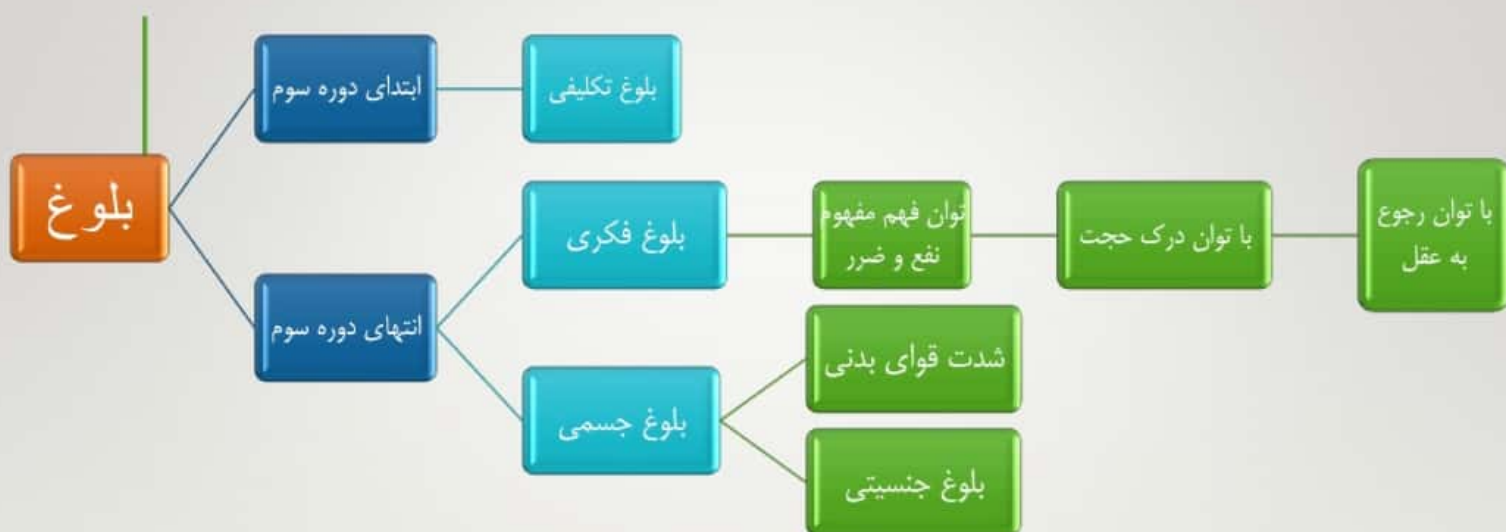
- رشد به معنای تولد توان بر اساس شناخت نیاز و اقتضائات شکوفایی توان، و حذف موانع توان در زندگی انسان است.
- به عبارتی رشد برخورداری از مراتب نور است که با شکوفایی توان‌ها و بروز استعدادهای نهفته همراه است.
- بلوغ به معنای تلاقی ظهور توان و نقطه فعال شدن توان با توجه به شرایط مناسب که منجر به شکوفایی قوای انسان می‌شود.

## 1. بلوغ، بزرگترین رخداد زندگی انسان

بزرگ‌ترین رخداد پس از تولد انسان **بلوغ** اوست که با علائمی ظاهر می‌شود و در فکر و جسم و شیوه زندگی فرد به خوبی هویدا و آشکار است.

### خاصیت و ویژگی بلوغ :

- **توان فکری** فرد به گونه‌ای تغییر می‌کند که **مفهوم نفع و ضرر** را به خوبی می‌فهمد و می‌تواند مصادیق آن را در اخلاقیات و روابط جستجو کرده و نسبت به آن عکس‌العمل نشان دهد.
- اگر کسی به این حد از تشخیص نرسیده باشد در واقع بالغ نشده است. و حتی در مسائل احکام نیز با عناوین **سفیه** یا **ضعیف** شناخته می‌شود.
- بلوغ، **تولد تسلیم و برائت** در انسان است. تسلیم و برائتی **اختیاری و آگاهانه** که بر اثر آن باورها و رفتارهای حسنه شکل می‌گیرد.
- با رسیدن انسان به بلوغ در او **قدرت پذیرش اسلام و تسلیم شدن در برابر اوامر و نواهی خداوند** به وجود می‌آید و این معادل **شکوفایی خرد** در اوست.
- تمام آنچه به عنوان سعادت در دنیا و آخرت برای انسان مطرح است مربوط به اسلام انسان است و گوهر آن در این دوره در درون فرد متولد می‌شود. به همین دلیل جشن بلوغ جشن زندگی معنوی است و لازم است بیش از جشن تولد مورد ارج و تقدیر واقع شود.



## 2. ویژگی‌های دوره سوم

- (1) توان شناخت نفع و ضرر
- (2) تولد معنوی
- (3) توان امر و نهی به دیگران
- (4) ورود به عرصه اجتماع و توان ورود به معاملات اقتصادی متناسب با خود
- (5) توان تصمیم‌گیری به تنهایی و در لحظه
- (6) تحریک توان جنسیتی و خودداری و مدیریت آن
- (7) توان شناخت دشمن

انسان دارای بلوغ‌های مختلفی است که در طول دوره سوم رشد شاهد آن خواهد بود برخی از این بلوغ‌ها در ابتدای دوره و برخی نیز در اواسط یا انتها می‌باشد. حد بلوغ شرعی که ابتدای بلوغ این دوره را نشان می‌دهد **بلوغ در ازدواج** یا همان **تمایز جنسیتی** است. بدیهی است منظور از این بلوغ وقوع ازدواج در این زمان نیست بلکه به معنای **توان فهم ازدواج و فهم جنسیت** و مسائل مربوط به آن می‌باشد.

## 1-2. گروه های مختلف در دوره سوم

- به سن تکلیف و برخورداری از عقل در طبیعت انسانی خود رسیده اند.
  - موظف به تحقیق درباره دین و اصول آن و تعیین مرجع صالح برای دریافت باید و نبایدهای زندگی هستند.
  - حتی اگر شرایط تربیتی دو دوره قبل را نیز سپری نکرده باشند؛ به دلیل برخورداری از رشد طبیعی، نیرویی به نام عقل تکلیف در آنها شکوفا می شود که به واسطه آن در صورت اهمال در دین داری مورد توبیخ واقع می شوند.
  - این افراد در ورود به دوره سوم و طی کردن مراحل آن موفق ترند.
  - چون علاوه بر برخورداری از عقل تکلیف، در دوره اول و دوم رشد اجتماعی توانایی های لازمی برای رجوع به عقل نیز آموخته اند.
  - و توان مشورت گرفتن از اهل خبره را دارا هستند و به خوبی فهم و عمل به دین را تمرین کرده اند.
- گروه اول
- گروه دوم

## 2-2. ظهور حجت های الهی

✓ آنچه در دوره سوم مورد نظر است استفاده و بهره‌مندی از عقل است زیرا در این دوره نوع انسان مجهز به عقل شده است و باید در موقعیت‌های مختلف و مسائل گوناگون به عقل رجوع کند.

✓ انسان در مواجهه با مسائل نیازمند حجت

است و برای فهم حجت نیازمند **توان رجوع**

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَاسٍ لِّئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا  
پیامبرانی که بشارتگر و هشدار دهنده بودند، تا برای مردم، پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهبانه و] حجتی نباشد، و خدا توانا و حکیم است.  
(نساء/ 165)





## تعریف عقل

- عقل در زبان قرآن و روایات، به **فهم کلیات** و **تشخیص خیر و شر** یا **حق و باطل** می پردازد.

انسان را به علم، معرفت و یقین می رساند.



قوه فهم کلیات

انسان را به رسیدن به خیرات و انتخاب درست  
و ا می دارد.



قوه تشخیص

بر این اساس تفاوت‌های انسان در دوره سوم آشکار می‌شود:

- گروهی در مواجهه با حجت‌های ظاهری و اولیای الهی گروهی همراه و همگام‌اند.
- گروهی که خود را از آنها جدا می‌کنند.

همچنین کسانی که حجت‌های الهی را شناخته و در مسیر دین قرار می‌گیرند دو دسته‌اند:

- گروهی که هستند که جامعه، اولیا و مربیانی مؤثر در دو دوره قبل داشته‌اند.
- و گروهی که هستند که از توان ذاتی خود استفاده کرده و با اهمیت دادن به بارقه‌های رحمت که در درون هر انسانی هر از چند گاهی می‌زند راه خود را پیدا کرده‌اند.



نمودار 2. انواع انسان در دوره سوم

## 2-3. شکوفایی عقل در دوره سوم

✓ بر اساس آیات و روایات نورانی آنچه به عنوان وضع تکوینی در دوره سوم لازم است طی شود، **تثبیت** مراحل قبل و آغاز توانمندی‌های جدید معنوی و اجتماعی است.

✓ این توانمندی‌ها به یمن شکوفایی عقل در انسان پدیدار می‌شود و اگر قدرت عقلانی در او به هر دلیلی خاموش باشد و یا خاموش شود سیر رشدش متوقف گشته و از این به بعد هر نعمتی به او داده شود بی‌فایده و بی‌سود و در بسیاری از موارد مضر خواهد بود، مگر آنکه در میانه راه پشیمانی و توبه ایجاد شود و روند رو به اصلاح رود.

✓ از آیات و روایات نورانی که به ویژگی‌های عمومی عقل و شأن اتمام حجت بودن آن اشاره دارند، می‌توان ویژگی‌های این دوره را به دست آورد. اغلب این آیات و روایات به مطالبی می‌پردازند که بیان‌کننده بازخواست انسان در صورت غفلت او نسبت به وظایف دینی و انسانی‌اش می‌باشد.

ویژگی‌های عمومی عقل و شان اتمام حجت بودن

❑ خداوند از این دوره به بعد مسئولیت زندگی هر فرد را به عهده خود او گذاشته و به هیچ‌وجه کسی به جای او توبیخ و تنبیه نمی‌شود. این به دلیل اتمام حجتی است که خداوند به واسطه عقل و تشخیص هدایت و ضلالت در او ودیعه گذاشته است.

❑ بر هر فردی لازم است بر اساس عقلی که در او به ودیعه نهاد شده تنها خدا را عبودیت کند و از عبودیت شیطان احتراز نماید. بر این اساس یکی از مهم‌ترین اقداماتی که در این دروه لازم است توسط فرد انجام پذیرد، موضوع دشمن‌شناسی است.

مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا  
وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نُنَبِّئَ  
رَسُولًا

هر کس راه هدایت یافت تنها بنفع و سعادت خود یافته و هر کس به گمراهی شتافت آنهم به زیان و شقاوت خود شتافته و هیچ کسی بار عمل دیگری را به دوش نگیرد و ما تا رسول نفرستیم هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد.

(اسراء/ 15)

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ  
مُبِينٌ \* وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

مگر با شما عهد نسبتم و نگفتم ای فرزندان آدم شیطان را اطاعت مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. و مگر نگفتم که مرا بپرستید که صراط مستقیم تنها همین

است(یس/ 60 و 61)

ویژگی‌های عمومی عقل و شأن اتمام حجت بودن آن

❑ بر اساس امر به عبودیتی که به هر فرد شده، لازم است افراد علاوه بر **ترمیم نواقص خود** به **ترمیم نواقص جامعه و دیگران** نیز بپردازد.

❑ فعال کردن باورهای درست و عقلی و نیز رجوع به این باورها در مواقع مورد نیاز و در مواجهه با مسائل مختلف از وظایف هر فرد به حساب می‌آید.

وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَ بِذِي  
الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ...  
و خدا را بپرستید، و چیزی شریک او مگیرید، و به پدر و  
مادر احسان کنید، و همچنین به خویشاوندان، و یتیمان  
و.....(نساء/ 36 و 37)

وَ مَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ يَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى  
الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ  
در حالی که هیچ کس جز به اذن و اراده‌ی الهی توفیق ایمان  
ندارد و خداوند پلیدی (تردید و کفر) را بر کسانی که  
نمی‌اندیشند مقرر می‌دارد (یونس/ 100)

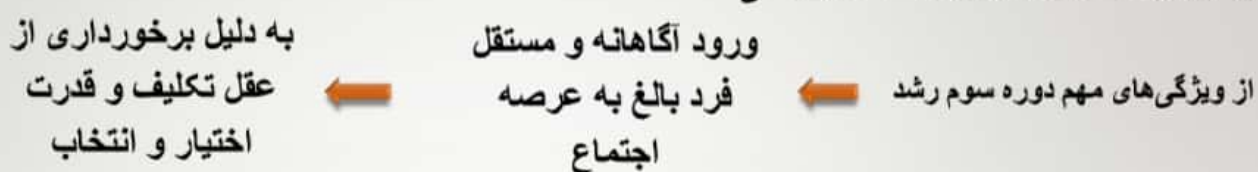
برای این منظور لازم است هر فردی بر اساس موارد زیر زندگی خود را شکل دهد:

✓ لازم است هر فرد بالغی بپذیرد که **توان تحقیق در رابطه با هستها و نیستها، بایدها و نبایدها** را داراست و در صورتی که بخواهد میتواند به حکم الهی واقف شود. و در صورتی که فرد سرمایه زندگی خویش را صرف مطامع نفسانی کند، کاهش یافته و موجب زایل شدن قوت عقل او خواهد شد.

✓ لازم است افراد بالغ مراقبت و **تقوا در شناخت** بایدها و نبایدها و **عمل** را به صورت دائمی در خود تقویت کنند. زیرا ممکن است به واسطه جهالتها و هواهای نفس خود به این شناخت دست نیابد و یا بعد از شناخت، آن را به عمل در نیاورد.

✓ لازم است افراد بالغ **برانت از شرک و مشرکین و نظامهای طاغوتی** را از مهمترین وظایف خود بدانند. زیرا قرار گرفتن در این بستر موجب آلودگی فکری و رفتاری فرد میشود.

## 2-4. توانمند شدن در ارتباطات اجتماعی



برخی از جلوه‌های توانمندی‌های اجتماعی در این دوره:

- ایجاد قدرت سفر
- ایجاد قدرت اقتصادی
- ایجاد قدرت دوستیابی
- ایجاد قدرت دوستی یا دشمنی با والدین

### 3. مسیر تعلیم و تزکیه در این دوره

- تعقل امری است که انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند و نیاز به فراهم کردن اقتضانات متعددی دارد و پس از تحقق آن نیز محدودیت‌ها و توان‌های فراوانی را برای فرد به وجود می‌آورد.
- از جمله این اقتضانات: قرار گرفتن در مسیر تعلیم و تزکیه به تشخیص خود فرد و یا به مساعدت و مشورت دیگران
- امام حسین علیه السلام در دعای عرفه خود مسیر طی شدن تعقل و درک حجت و عمل بر اساس آن را در مواردی عنوان نموده است که این موارد همان اقتضانات دریافت رشد در دوره سوم است.



اقتضانات دریافت رشد در دوره سوم بر اساس دعای عرفه:

**اکمال فطرت به  
معنای «تکامل  
سرشت انسان و  
برخورداری از  
توان‌های لازم برای  
رسیدن به مطلوب در  
نظر گرفته شده»  
برای اوست.**

**این توان از یک سو  
به بالا رفتن توان  
ادارک او و از سوی  
دیگر به ابراز آن  
توان وابسته است. و  
به طور طبیعی بر  
سیر تعلیم و تزکیه او  
اثر می‌گذارد.**

**آنگاه فرد می‌تواند با اختیار  
و انتخاب خود برنامه‌هایی  
را برای رسیدن به مقاصد  
الهی برگزیند. و آنها را به  
آدابی منظم و سیر و سلوکی  
مشخص تبدیل نموده و به  
کنترل و ارزیابی مشخصی  
از رشد خود دست یابد.**

**استفاده از این  
توان موجب  
تزاید در آن توان  
گشته و به  
عنوان نیرویی  
معنوی در اختیار  
انسان قرار  
می‌گیرد.**

بنابراین شرایط فهم حجت که با رجوع به عقل برای انسان حاصل می‌شود به واسطه عمل بر اساس حجت تقویت شده و همان اقتضانات، خود به صورت نتایجی شگفت‌انگیز در اختیار انسان قرار می‌گیرد. در این صورت آنچه خود به عنوان مقدمه محسوب می‌شده در این دوره به عنوان نتیجه نیز محسوب می‌گردد.



اقتضائات و نتایج تعقل یا فهم حجت و عمل بر اساس آن

#### 4. دوره سوم دوره اكمال فطرت و اعتدال

##### ویژگی‌های دوره اكمال فطرت و اعتدال

سوره مبارکه شمس

واژه‌ی نزدیک از نظر مفهومی

تسویه

«تسویه» رخدادی است که برای نفس انسان رخ داده و به او قدرت الهام فجور و تقوا را می‌دهد و پس از آن «تزکیه» و در مقابل آن «تدسیس» که عدم تزکیه است، برای انسان معنا پیدا می‌کند.

- در مقابل تسویه و تزکیه، سوره مبارکه شمس «دَسْ» یا نهفته ساختن نفس و عدم بهره‌مندی از تزکیه را عامل هر ناکامی معنوی معرفی کرده است. و به صورت تفصیلی‌تر سرکشی و طغیان از یک سو و تکذیب آیات و رسل از سوی دیگر را عامل سقوط دانسته است.
- بنابراین دست برداشتن از طغیان، اطاعت و تبعیت از دین و رسول عامل اصلی در تزکیه می‌باشد.
- همچنین علم نسبت به آنچه از طریق وحی به انسان وارد شده که ملزم به تبعیت از آن است از لوازم تعقل و فهم حجت می‌باشد.

❑ **تزکیه** از ریشه **(زکو)** است. معنای این ماده: دور کردن چیزی ناحق و خارج کردن آن از میان چیز سالم است. مانند از بین بردن صفات رذیله از قلب، دور کردن اعمال زشت از برنامه زندگی انسان و خارج کردن حق الناس از مال (ذکات).

❑ تزکیه در واقع دور کردن چیزی است که دور کردن و خارج کردنش لازم است.

❑ تزکیه به معنای پاکسازی و آماده سازی مرحله قبل از دریافت و استقرار علم الهی است. درون انسان اگر فاقد آمادگی دریافت باشد یا دارای آلودگی هایی باشد، قدرت دریافت علم الهی را نخواهد داشت.

❑ خداوند در قرآن تزکیه را به نفس نسبت داده و آن را در صورت مخفی نکردن توانایی ها و قدرت های درونی فطری ممکن دانسته است.

❑ تزکیه با عمل به بایدها و نبایدها، شناخت توانایی ها و قرار گرفتن در معرض توانمندی محقق می شود.

❑ تسویه از ماده(سوی): این ماده به معنای **توسط، همراه با اعتدال** است.

❑ تسویه به معنای معتدل کردن چیزی در حال توسط است و متوسط و معتدل کردن آن چیز به وسیله عمل، نظم، تدبیر و تکمیل است.

❑ تسویه رخدادی است که برای نفس انسان واقع شده و به او قدرت الهام فجور و تقوا را می دهد. به عبارت دیگر اگر انسان نفس خود را در حالت تعادل و توسط قرار دهد می تواند از الهام الهی بهره مند شود.

نتیجه بخشی و شکفتگی همراه با رضایت و خرسندی



فعال شدن توان تزکیه و تسویه و قدرت شکوفایی



فهم حجت و قدرت الهام فجور و تقوی



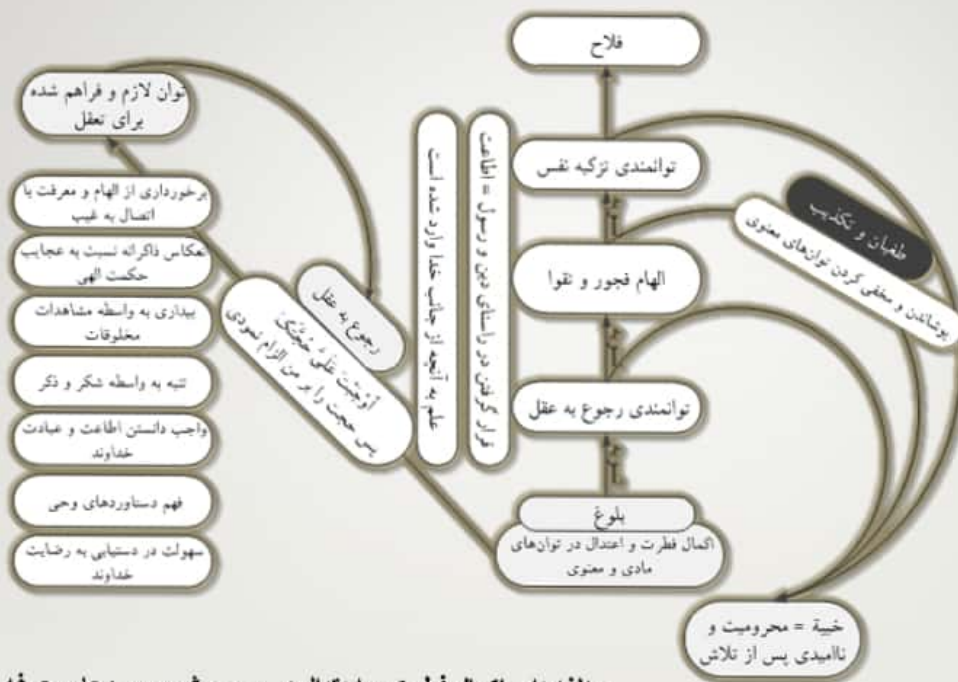
رجوع به عقل



اکمال فطرت و اعتدال



تسویه و تزکیه دو محور اصلی در فهم حجت یا تعقل و نقش علم به وحی و اطاعت از رسول و دین در تزکیه



مؤلفه‌های اکمال فطرت و اعتدال در سوره مبارکه شمس و دعای مبارکه عرفه بسیار بر هم منطبق است. و از انطباق آنها با هم می‌توان به نکات بسیار ارزنده‌ای پی برد.

مؤلفه‌های اکمال فطرت و اعتدال در سوره شمس و دعای عرفه



مؤلفه‌های یاد شده سیر نتیجه‌بخشی هر عمل و یا هر باور را در زندگی فرد مشخص می‌کنند. در این سیر هر عملی چه فردی و چه اجتماعی مراحل نتیجه‌بخشی زیر را طی می‌کند:

- 1) ابتدا انسان به واسطه رجوع به عقل ضرورت انجام یا ترک عمل، فعل یا باوری را بررسی کرده و بر روی روش‌های به دست آوردن آن تفکر و تأمل می‌نماید.
- 2) سپس با اتکاء به آن علم و بر اساس الهام الهی، به جزییات تحقق آن عمل، فعل یا باور در لحظه، دست می‌یابد.
- 3) الهام و علم و تعقل در صورتی در نفس انسان جریان می‌یابد که از موانع پاک و آراسته باشد. به همین دلیل عملیاتی شدن منویات عقلی و الهام‌های الهی کشف موانع و برطرف کردن آن است.
- 4) دستاوردهای به دست آمده از مراحل فوق تنها با شناسایی و قدردانی و خرسندی می‌توانند در برنامه‌ریزی مجدد زندگی قرار گیرند.

در دعای عرفه شیوه‌های دستیابی به مراحل چهارگانه فوق و امکان اجرای هماهنگ آنها بیان شده است



در این صورت از تعقل در عمل، فعل یا باور تا رسیدن به محصول کوتاهترین راه در درون فرد طی شده و به ابراز می‌رسد. در این صورت است که به چنین فردی «محسن» یا «متقی» گفته می‌شود.

انطباق مؤلفه‌های اکمال فطرت و اعتدال از سوره مبارکه شمس و دعای عرفه

1-4. مؤلفه‌های دوره اكمال فطرت و اعتدال

**مؤلفه اول:** توانمندی رجوع به عقل با زیرمؤلفه:

- توان رجوع به حجت‌های الهی
- توان رجوع به قرآن و اهل بیت علیهم السلام به عنوان حجت‌های قطعی الهی

**مؤلفه دوم:** قدرت الهام فجور و تقوا با زیرمؤلفه:

- توان دستیابی به محتوای وحی به عنوان تقویت کننده الهام
- توان معرفت نسبت به هستی و هستی‌آفرین و مسائل زندگی
- تنبیه به واسطه ذکر و شکر

**مؤلفه سوم:** توان تزکیه و قدرت شکوفایی با زیرمؤلفه:

- عمل بر اساس شناخت حکمت و ذکر نعمت‌ها
- عمل بر اساس هوشیاری
- توان اطاعت در برابر احکام الهی

**مؤلفه چهارم:** نتیجه‌بخشی و شکفتگی همراه با رضایت و خرسندی

در صورتی که خود فرد یا اولیای او قصد برنامه‌ریزی برای تعلیم و تزکیه در این دوره داشته باشند، لازم است اقدامات زیر را انجام دهند:

- با ایجاد میل و با مطالعه‌ای آگاهانه ابعاد مختلف احکام، اخلاق و اعتقادات حجت‌های الهی را به فرد بشناسانند.
- معرفت به توحید، علم به گزاره‌های حقیقی و قوانین زندگی در این دوره به فرد تعلیم داده شود.
- تفکر در قرآن به عنوان محور اتصال به غیب و راه فعال‌سازی الهام به فرد آموزش داده شود.
- علوم مختلفی که فرد را در شناخت هستی و حکمت‌های آن واقف می‌سازد، تعلیم داده شود.
- لازم است محاسبه، مشارطه و مراقبه که مؤلفه هوشیاری است در فرد تقویت شود.
- فرد به کارهایی مبادرت کند که در وی تقوا و خشیت و یا مراقبت درونی تقویت شود.

در ابتدای دو سوره مبارکه بقره و لقمان به مولفه‌های فوق اشاره شده است:

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ هُدًى وَرَحْمَةً  
لِّلْمُحْسِنِينَ ﴿٣﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ  
الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٤﴾ أُولَئِكَ عَلَى  
هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾

مطالبی که می‌توان از آیات فوق به دست آورد عبارتند از:

- احسان و تقوا باعث بهره‌مندی انسان از وحی می‌شود.
- باورهای قلبی و معرفت‌های یقینی به همراه اقامه نماز و ایتاء زکات لازمه تقوا و متقی شدن است.
- هدایت و فلاح تنها نصیب متقین می‌شود.
- برای رسیدن به تقوا، هدایت و فلاح اعمالی چون اقامه نماز لازم است.



مؤلفه‌های دوره اكمال فطرت و اعتدال در قرآن و روایات

#### 2-4. تعلیم در دوره اکمال و اعتدال

در دوره سوم انتظار می‌رود که خودجوشی فرد او را از برنامه‌ریزی‌های دیگران -جز به صورت مشورتی- مستغنی کند. در عین حال لازم است سیری منظم برای طی شدن ساماندهی‌شده‌ی این دوره تدارک دیده شود.

مانند وظایف و اعمال خاصی که در شریعت در قالب مناسک، فرائض و مستحبات‌اند که می‌توانند **الفاکئنده معارف الهی و تنبیه دهنده نکر و شکر و دلالت دهنده به حکمت‌های آفرینش** باشند. از آنجایی

که این وظایف انسان را از رها بودن، به بند عبودیت الهی می‌کشاند می‌توان آنها را به عنوان **«آداب»** معرفی کرد.

**آداب شرع مقدس اسلام فرد را در متن جامعه قرار می‌دهد و به طور طبیعی ضامن رشد اجتماعی فرد می‌شود. به همین دلیل از تقوایی که محصول این دوره است با نام «احسان» یاد شده است.**

**احسان بروز تقوایی اجتماعی است که به بروز زیبایی‌ها و ملکات و سجایای فرد منجر می‌شود.**

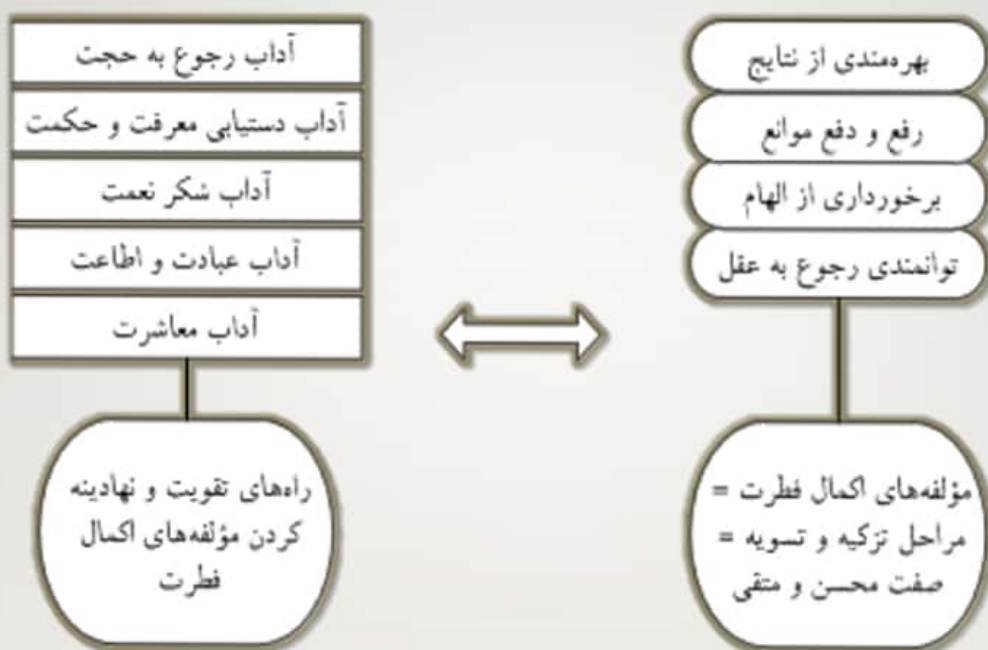
هر آدابی از آداب دینی موجب تقویت توان‌های زیر در فرد بالغ می‌شود:

- قدرت تعقل و رجوع او به عقل
- قدرت الهام نسبت به جزئیات زندگی
- قدرت رفع و دفع موانع رشد
- قدرت ارزیابی، برنامه‌ریزی و کنترل درونی

آدابی که منجر به تقویت این مؤلفه‌ها یا مراحل می‌شوند:  
(براساس سوره لقمان و دعای عرفه)

- آداب رجوع به حجت
- آداب به دست آوردن معرفت و حکمت
- آداب شکر نعمت
- آداب عبادت و اطاعت
- آداب معاشرت





مؤلفه‌های تعلیم و تزکیه در دوره اکمال و اعتدال

منظور از رعایت آداب و یا آراستگی به آداب اینست که: فرد به رفتارها و برنامه‌های منظمی همت گمارد که بر اساس وضعیت تکوینی آن رفتارها در او خصلت‌های متعالی شکل گیرد. در این صورت:

- آداب به عنوان دستورالعمل‌ها و یا سیر و سلوک پیشنهادی است که با عمل به آنها منافع بی‌شماری عائد انسان می‌شود ولو اینکه خود نیز از آن منافع بی‌خبر باشد.
- در آداب نوعاً اعمالی توصیه می‌شود که با باورهایی همراه است.
- نوعاً آداب ارتباطی با آراستگی نیز دارند زیرا وقتی فرد مطابق آنچه آمده رفتار کند رفتارهایش زیبا و پسندیده و مطلوب و دلپسند می‌شود.

آراستگی به آداب باعث می‌شود تا فرد:

- قدرت الهام به معارف الهی‌اش افزایش یابد.
- به حکمت‌های آفرینش توجه بیشتری بنماید.
- توجه بیشتری به نعمت‌های الهی داشته باشد.
- خود را در معرض شکر و ذکر قرار دهد.
- در انجام وظایف شرعی و اطاعت از اوامر و نواهی توفیق بیشتری یابد.

...